

خرداد ۱۲۵۲ هـ ق ۱۴۳۰

از این مجلس گفته عقیقاً فوت ملک الشاه لاری که از پادشاه علم داد و از دانشمندان بزرگ
مافوق و ضعیف دور هم نهادند مجلسی را در دست ضابطه بزرگ در میان نانی برین برابر ایستادند
شمار نمود و از این دقیقه کمال تا نصف دنا شورا را بر سر نهادند

هر یکی از این شورا که نخواستند از کسبت در میان ملک خود

چو صاحب سخن زنده باشد سخن	بیزد عمر را صافی بود
چو صاحب سخن مرد آنگه سخن	ببراز کسب و در کمانی بود
صوت حالت خود مرد سخن	که گویش به از مدح کمانی بود

ملک مدخل گفت " آن مرحوم استاد سخن بعضی واقعه بود و اگر ملت ایران در این ضابطه
هم عزاداری و کولادری کند بیست و بیست و یکم از ایشان صادره این است که این مرد بزرگ را در
زمان قرارداد و حقوق الدوله و اندک نخواهند کرد - در دولت سال افریقا مانند ملک سخن

بوجود نیامده است (نمانده مان - افسنت)

از مجلس شورای عقیقاً « استاد معظم ملک الشاه لاری که استادتان اگر نماندند از آن
دانش بگردن ملت ایران حق بزرگ دارد و لا اله الا الله و وقت مجلس صرف بیانات در میان
بود. آنگاه مستحضران که افرای مجلس تصمیم گرفتند علاوه بر حقوق استادان یک نفوس هم برایشان
قرار دهند این نفوس نفوس است و لی تا خانه بعضی رسیده که زندگانی در حرف فایده نمی
تواند که اطلاع یافته ام وضع زندگانی خانواده آن مرحوم خوب نیست. آنگاه آنجا مانده
وضع زندگانی خانواده اولاد در نظر بگیرند و حال لایحه را که برای او نفوس است برای خانواده
شیرازه و مجلس صادره « نفوس نمانده مان »